

فهرست

سال شانزدهم، بهار و تابستان ۱۳۷۷

با همکاری

صدرالدین الهی

- پیشگفتار:
مقاله ها:
- ۱۸۵ نگاهی به منابع تاریخ روزنامه نگاری ایرانی و فارسی
۱۹۱ ناصرالدين پروين
۲۱۱ سرمقاله نویسی و سرمقاله نویسان معروف ایران
احمد احرار
۲۳۷ صد سال از روزنامه نگاری به سیاست
داریوش همایون
۲۵۹ مطبوعات ایران در برابر سانسور: ۱۳۳۲-۱۳۷۷
احمد کریمی حکاک
۲۸۹ اخلاق سیاسی و اخلاق روزنامه نگاری
هوشنگ وزیری
۳۰۵ کاوه برلین و کاوه مونیخ
محمد عاصمی
۳۲۱ از مجله موسیقی تا ماهنامه رودکی
محمود خوشنام
- مصاحبه
- ۳۳۱ در کیهان خاطرات
مصطفی مصباح زاده
گزیده:
- ۳۶۳ اخلاق حرفه ای و روزنامه نگاران ایرانی
لیلا رستگار
گذری و نظری
- ۳۸۳ نام هایی که مطبوعات ایران به خود دیده اند
اسمعیل پوروالی
۳۸۷ خاطراتی از دوران مجله فردوسی
عباس پهلوان
نقد و بررسی کتاب:
- ۳۹۹ از محرمعلی خان سانسورچی تا مصطفوی سرمقاله نویس
صدرالدین الهی
۴۳۱ ارتش و استقرار نظام پهلوی
محمدحسن ففقوری
۴۳۹ تاریخ فنون و منابع آن در ایران
حسن آیتی
۴۴۷ کتاب ها و نشریات رسیده
خلاصه مقاله ها به زبان انگلیسی

کنجینه تاریخ و تمدن ایران

ENCYCLOPÆDIA IRANICA

دانشنامه ایرانیکا

دفترهای سوم، چهارم، پنجم و ششم از جلد هشتم
منتشر شد

Fascicles 3, 4, 5, and 6 of Volume VIII:

EDUCATION XX-E' TEŽĀD-AL-SALTĀNA

اثری که باید در خانه و دفتر هر ایرانی فرهنگدوستی موجود باشد.

MAZDA PUBLISHERS

P. O. BOX 2603

COSTA MESA, CA 92626

Tel: (714) 751-5252

Tel: (714) 751-4805

اثر و نام

مجله تحقیقات ایران شناسی

بهار و تابستان ۱۳۷۷ (۱۹۹۸)

سال شانزدهم، شماره ۲-۳

پیشگفتار

قصد اصلی از انتشار این ویژه نامه آن بود که به موضوع روزنامه و روزنامه نگاری در ایران از دیدگاهی دیگر نگریسته شود، برخی از مسایل و مشکلات این حرفه از زبان و قلم صاحبان آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و گوشه هایی از تاریخ به هم پیوسته سیاسی، اجتماعی و مطبوعاتی دوران اخیر ایران روشن تر شود. می‌خواستیم به امر روزنامه نگاری و روزنامه که در حقیقت پایه و مایه درست تاریخ نگاری تحلیلی است و حداقل در یک صد سال اخیر تأثیر آن در تاریخ معاصر ایران انکار ناپذیر است به چشمی دیگر بنگریم. واقعیت آن است که از انقلاب مشروطه به بعد مطبوعات، به ویژه در دوران رکود یا غیبت احزاب، اصناف، و سندیکاها در ایران، تنها وسیله ممکن و مقدور برای انعکاس خواست های عمومی و تشریح منافع قشرها و طبقات اجتماعی گوناگون بوده اند و با همه محدودیت ها و تضییقات کوشیده اند تا رسالت خود را در این زمینه به هر تمهیدی

شده ایفا کنند. درحقیقت، شاید بتوان گفت که، در بخش اعظم تاریخ معاصر ایران، مطبوعات نه رکن چهارم که تنها رکن دموکراتیک نظام سیاسی کشور بوده اند. با این همه، روزنامه نگاری در ایران به عنوان یک حرفه تخصصی هرگز جای خود را باز نکرده و روزنامه نگار و آثار او به اعتبار آن تعریف کلی روزنامه که فاسدشدنی ترین کالای بازرگانی است هرگز جدی گرفته نشده است. مطالب روزنامه های ایران از جهت موضوعی طبقه بندی نشده و حتی در مورد روزنامه های مهم و با سابقه ای چون *اطلاعات* و *کیهان* کار فهرست نویسی و اندکس نگاری صورت نگرفته تا منبعی اساسی و غیرقابل جانشین برای دانشجویان و پژوهشگران تاریخ شوند. روزنامه ها و مجلات ایران هرگز بطور علمی مورد بررسی محتوایی آنهم براساس روش های غربی قرار نگرفته اند و در نتیجه آثار روزنامه نگاران ایران، از سرمقاله تا تفسیر سیاسی و از مصاحبه تا رپرتاژ، از جهت محتوایی بدرستی شناخته نشده است مگر آن دسته از آثاری که از درون روزنامه ها استخراج شده و توسط محققى بشکل کتاب درآمده است، مانند مجموعه مقالات دهخدا در *صوواسرافیل* که به همت محمد دبیرسیاقی منتشر شده. این گونه آثار هم به علت قلت در حکم النادر کالمعدوم است.

استادان ادب و زبان فارسی کمترین توجه تحقیقی به نقش زبان روزنامه در تحول زبان فارسی نکرده اند و نقش روزنامه ها را در همه فهم کردن و آسان ساختن زبان فارسی برای همگان و در نتیجه بالا بردن سطح سواد و خواندن نادیده گرفته اند و نیز به نقش مؤثر روزنامه ها که گاه به سرعتی باورنکردنی به معادل فارسی سازی واژگان فرنگی مصطلح روز دست زده اند اشاره ای نداشته اند. فرضاً از مصطلحات امروز زبان فارسی در علوم فضایی یا فنون ورزشی که ساخته و پرداخته روزنامه نگاران است در جایی ذکری به میان نیامده است.

به این ترتیب، روزنامه و روزنامه نگار ایرانی در متون و منابعی که به مقوله های سیاست و ادب و تاریخ اجتماعی ایران اختصاص دارد هنوز جای شایسته خود را نیافته است. فراتر از آن، در پست و بلند حوادث تاریخ صد ساله اخیر ایران، روزنامه نگار، که بهر حال انسانی است با معتقدات سیاسی خاص خود، همواره آماج تهمت ها، دشمنی ها و کینه توزی های صاحبان و مدعیان قدرت بوده و حتی جان شیرین برسر کار خویش نهاده است. سر سلسله آنان میرزا جهانگیر خان شیرازی مدیر *صوواسرافیل* است و این کین جوئی ها از اهل مطبوعات، به دلیل اعتقادات و گرایش های سیاسی آنان، تا تیرباران علی اصغر امیرانی مدیر *خواندنیها* و رحمان هاتفی، آخرین سردبیر *کیهان*، ادامه داشته است.

در تهیه این شماره ویژه، مطلوب و قصد آن بود که روزنامه نگاری ایران در همه ابعاد اساسی آن بررسی شود. اما به علل گوناگون، از جمله مشکلات تحقیق درباره پاره ای از مسائل سیاسی روز و تازگی تحولات شتابان اخیر، جای نوشته‌هایی در باره معدودی از زمینه‌ها در این شماره خالی مانده است. تشکیلات صنفی روزنامه‌نگاران، شکوفایی ناگهانی مطبوعات بعد از انتخابات خرداد ماه ۱۳۷۶، سوابق آموزش روزنامه نگاری در ایران، و تاریخ تحول قوانین مطبوعات و روش‌های دادرسی مطبوعاتی، تحولات تکنیکی و فن چاپ، به ویژه چاپ رنگی روزنامه‌ها، برشماری، طبقه بندی و معرفی روزنامه‌ها و مجلاتی که پس از انقلاب اسلامی خارج از ایران پا به عرصه وجود نهاده اند از آن جمله‌اند. و این همه سوای مشکلاتی است که ناصرالدین پروین در مقدمه مقاله خود به دقت برشمرده.

دکتر مصباح زاده، که مؤسسه بزرگ کیهان به پامردی وی برپا شد، در خاطرات خود ضمن شرح چگونگی تأسیس کیهان به نکاتی بدیع از تاریخ معاصر ایران می‌پردازد و گوشه‌هایی ناشناخته از سیر تحول مطبوعات ایران را روشن می‌کند. در این مصاحبه مفصل، که جایی خاص در این شماره به آن اختصاص یافته است، وی نقش کیهان را در پاره ای از رویدادهای مهم سیاسی ایران به تفصیل بر می‌رسد.

ناصرالدین پروین در مقاله خود به منابع تاریخی روزنامه نگاری ایرانی و فارسی می‌پردازد و ضمن طبقه بندی منابع و اشاره به تعداد کثیری از آنها، به شیوه‌ای تطبیقی به نقد و سنجش برخی از این منابع می‌پردازد و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را برمی‌شمارد.

احمد احرار در نوشته خود «سرمقاله نویسی و سرمقاله نویسان معروف ایران» پس از بحثی در باره چگونگی آغاز سرمقاله نویسی در ایران به مقایسه سبک و سیاق پاره ای از معروف ترین سرمقاله نویسان کشور در دوران پهلوی می‌پردازد و نمونه‌هایی از آثار آنان را ارائه می‌دهد.

در «صدسال از روزنامه نگاری به سیاست» داریوش همایون به تحلیلی تاریخی از ارتباط متحول بین سیاست و روزنامه نگاری از آغاز مشروطیت به بعد دست می‌زند و با اشاره به رویدادها و دگرگونی‌های عمده سیاسی ایران، به ویژه در نیم قرن اخیر، مارا به اهمیت نقش «روشنفکر-روزنامه نگار-سیاستگر» در این دگرگونی‌ها توجه می‌دهد.

در «مطبوعات ایران در برابر سانسور: ۱۳۷۷-۱۳۳۲» احمد کریمی حکاک

شیوه های سانسور مطبوعات در سه دوره مشخص تاریخ معاصر ایران را با یکدیگر مقایسه می کند. به اعتقاد وی در بررسی مقوله سانسور و تحدید آزادی مطبوعات باید نه تنها گرایش رهبران سیاسی و نهادهای دولتی بلکه فرهنگ عمومی و ارزش های حاکم بر گروه های سنتی جامعه را نیز در نظر گرفت. هوشنگ وزیرى در «اخلاق سیاسی و اخلاق روزنامه نگاری» به نقاط تشابه و اختلاف این دومی پردازد و به ویژه پس از مقایسه ای میان آراء سعدی و ماوکیاویلی به این نتیجه می رسد که سیاستمدار میان اخلاق و قدرت این دومی را برمی گزیند و روزنامه نگار هنگامی شایسته اطلاق نام روزنامه نگار است که اخلاق را بر دیگر مصالح مرجح بدارد.

در «کاوۀ برلین و کاوۀ مونیخ» محمد عاصمی به بررسی دلائل و چگونگی انتشار و اهداف پایه گذاران این دو نشریه و رسالت های مشابه آنان در دو برهه مختلف تاریخ معاصر ایران می پردازد و شیوه های تفکر سیاسی و نگارش فارسی نویسندگان این دو را با یکدیگر مقایسه می کند.

محمود خوشنام نیز به مقایسه ای میان دو نشریه تخصصی پرداخته است. وی در نوشته خود با عنوان «از مجله موسیقی تا ماهنامه رودی» نشان داده که این هر دو نشریه نه تنها در زمینه موسیقی که در دیگر مباحث جدی ادبی، از قبیل شعر و نقد و داستان چگونه منعکس کننده استعداد های تازه ای بوده اند که احتمالاً در جایی دیگر مجال رشد و نمو نمی داشتند.

بخش «برگزیده ها» به بخش هایی از مقاله مصاحبه مفصل لیلا رستگار، که در شماره هفتم سال سوم مجله رسانه، چاپ تهران، تحت عنوان «اخلاق حرفه ای و روزنامه نگاران ایرانی» منتشر شده اختصاص یافته است. در این مقاله تنی چند از روزنامه نگاران جوان ایران، با تعریف رابطه میان اخلاق، قانون و حکومت و با اشاره های گسترده به اصول و موازین شناخته شده بین المللی در باره حقوق و رسالت روزنامه و روزنامه نگار، صریح و بی پروا به بحث در باره مشکلات مطبوعات در جامعه کنونی ایران پرداخته اند.

نوشته کوتاه اسماعیل پوروالی در بخش «گذری و نظری»، با عنوان «نام هایی که مطبوعات ایران به خود دیده اند» به فلسفه آشکار و پنهان در نام برخی از روزنامه ها و مجلات ایران پرداخته است. در همین بخش، عیاس پهلوان پاره ای از خاطرات خود را از دوران سر دبیری مجله فردوسی، که در دهه های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ پایگاه گروه های متفاوت روشنفکران ایران بود به میان آورده است.

بخشی از «نقد و بررسی کتاب» این شماره نیز به روزنامه نگاری ایرانی

اختصاص یافته و در آن معرفی کوتاهی از جلد دوم شبه خاطرات علی بهزادی مدیر مجله سپیده و سیاه همراه با بخش‌هایی از دو مقاله از جلد اول و دوم این اثر آمده است.

این بنده از مدیر مجله و همه همکاران و همراهان این شماره ویژه صمیمانه متشکر است و برو بار آن را تماماً مدیون سعی و همت آنان می‌داند و بار همه کژی‌ها و کاستی‌ها را به گردن می‌گیرد، زیرا که: هرچه هست از قامت ناساز و بی‌اندام ماست.

صدرالدین الهی

برکلی، ژوئیه ۱۹۹۸

لیسآ
روایع
بمذ

نحوه نشریه

مجله سپیده
ناشران: انتشارات سپیده

۳۷۶۱

آسیا
در برابر
غروب

داریوش شایگان

چاپ دوم
بنیاد مطالعات ایران

۱۳۷۴